

گراهام پی هرد^۱

علم ژئوپولیتیک به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی در سیاست می‌پردازد. از زمان عنوان شدن این واژه، معنای تقابل قدرت با یک سرزمین و انسانهایی که در آن سکونت دارند مطرح بوده است. خلاصه اینکه این واژه نقش بسیار اساسی در تولید قدرت دارد. عوامل که در ژئوپولیتیک مؤثرند به دو دسته کلی عوامل ثابت و عوامل متغیر تقسیم‌بندی می‌شوند. جمعیت از عوامل متغیر ژئوپولیتیک است. عنصر تشکیل‌دهنده جمعیت انسان است که به عنوان مهمترین عامل ژئوپولیتیک شناخته می‌شود زیرا تمام پدیده‌های طبیعی چه ثابت و چه متغیر در یک قطب و انسان در قطب دیگر قرار می‌گیرد. یک رابطه مستقیم بین قدرت یک کشور و جمعیت آن وجود دارد، هر نوع تغییری در جمعیت می‌تواند بر قدرت آن کشور تأثیر بگذارد. روسیه بزرگترین کشور جهان از نظر وسعت، با مشکل کاهش جمعیت رو به رو می‌باشد این مشکل تأثیرات زیادی بر این کشور داشته است. این مقاله قصد دارد به بررسی این موضوع بپردازد.

در چند دهه اخیر روسیه با بحران کاهش جمعیت رو به رو بوده است که این در زمان صلح بی سابقه است. جمعیت روسیه تنها در بین دو جنگ جهانی در دهه ۱۹۳۰ به علت شرایط خاص کاهش یافته است. پیش‌بینی می‌گردد این کاهش جمعیت و مهاجرت باعث تأثیراتی بر سیاست داخلی و بین‌المللی این کشور گردد.

در انتخابات دومای دولتی روسیه در دسامبر ۱۹۹۹ حزب جدید التأسیس وحدت که از دولت پوتین حمایت می‌کند اعلام کرد: هدف اصلی این حزب رهایی روسیه از مشکلات است و طرحهایی برای جایگزینی کالاهای سرمایه‌ای فرسوده و مقابله با کاهش جمعیت را اجراء خواهد کرد. همچنین پوتین در سال ۲۰۰۰ بعد از پیروزی در انتخابات گفت: قبل از صحبت درباره وظایف، ابتدا لیستی از مهمترین

۱. دکتر گراهام پی هرد عضو مرکز مطالعات امنیتی و تحقیق تعارضات سویس بوده و این مقاله توسط آقای مجید بوالوردی از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است.

مشکلاتی که کشور با آن روبه رو می‌باشد ارائه می‌گردد که یکی از آنها کاهش جمعیت بوده که تهدیدی برای بقای ملی است و باید به روسیه همانند یک سیستم زنده توجه کنیم.^(۱)

در فوریه ۲۰۰۱ نخست وزیر (کاسیانف) ایجاد یک برنامه برای سیاست جمعیتی در یک دوره ۱۵ ساله و پیشنهادهای جهت بهبود وضعیت از کارافتادگان، کاهش حوادث ناشی از کار و حل مسائل مهاجرتی شهروندان در کشورهای CIS نمود.

اقدامات اولیه دولت اثر محدودی بر این وضعیت داشته است. وضعیت بد اقتصادی در بلاروس یا مخالفت با روس تبارها در اوکراین و قزاقستان باعث افزایش مهاجرت به روسیه گردیده، چیزی که باعث اشتباه در ارزیابی کاهش جمعیت می‌گردد اگرچه ادامه کاهش شدید متوقف شده اما مسائل جمعیتی برای روسیه واقعی می‌باشد.

بخصوص اینکه تحلیل گران استراتژیک بین قدرت و اندازه جمعیت به یک رابطه معنی دار معتقد می‌باشند و از سویی اندازه کشور روسیه متناسب با جمعیت آن نمی‌باشد بطوری که بطور متوسط در هر کیلومتر آن تنها ۸ نفر زندگی می‌کنند در حالی که این رقم برای ایران ۴۱، چین ۱۳۶ و ایالات متحده ۳۰ نفر می‌باشد.^(۲)

جمعیت شناسی شامل دو مبحث اصلی می‌باشد:

۱. ترکیب جمعیت: جنسیت، اقلیت‌ها، متوسط سن، توزیع جغرافیایی جمعیت؛
۲. تحرک جمعیت: مرگ و میر، زاد و ولد، مهاجرت به خارج و مهاجرپذیری می‌باشد.

کاهش جمعیت روسیه

در خلال سالهای ۹۶-۱۹۹۵ متوسط امید به زندگی در مردان روسیه به زیر ۵۸ سال رسید، این وضعیت در نشریات داخلی و خارجی بازتاب گسترده‌ای داشت و افکار عمومی روسیه به آن شدیداً واکنش نشان داد.^(۳) بررسی پیامدهای کاهش جمعیت در روسیه بسیار مشکل می‌باشد زیرا اطلاعاتی که باید پایه فرضیات باشد بسیار ناقص است. آخرین سرشماری در سال ۱۹۹۹، دهسال بعد از آخرین سرشماری اتحاد شوروی صورت گرفته است. این اطلاعات شامل

سن، جنس، مکان تولد، وضعیت اقتصادی، سطح آموزش بوده که توسط اداره آمار دولت روسیه تهیه گردیده است.

ادارات متعددی چون ریاست جمهوری، وزارت بهداشت، وزارت امور خارجه، وزارت کشور، وزارت کار و امور اجتماعی، موسسات خصوصی، آکادمی علوم پزشکی روسیه درگیر تحلیل داده‌های آماری جمعیت می‌باشند.^(۴)

جدول شماره ۱- جمعیت روسیه

| سال | جمعیت (میلیون نفر) ^۱ |
|------|---------------------------------|
| ۱۹۹۲ | ۱۴۸/۳ (واقعی) |
| ۱۹۹۸ | ۱۴۵/۸ (واقعی) |
| ۲۰۰۱ | ۱۴۴/۵ (واقعی) |
| ۲۰۰۵ | ۱۴۲ (واقعی) |
| ۲۰۱۰ | ۱۳۸ (پیش‌بینی) |
| ۲۰۱۵ | ۱۳۲ (پیش‌بینی) |
| ۲۰۵۰ | ۱۲۱ (پیش‌بینی) |
| ۲۰۷۵ | ۸۷ (پیش‌بینی) |

نمی‌توان به پیش‌بینی اعتماد نمود چرا که پیش‌بینی‌ها بر اساس یک رشته روندها و عوامل ثابت مفروض شده‌اند بر اساس کلیه فرضیات حرکت جمعیت در بلند مدت. دلایل متعددی برای کاهش جمعیت روسیه در دوران اتحاد شوروی مطرح می‌کنند. مهاجرت عده‌ای زیادی طی انقلاب ۱۹۱۷، حوادثی که در دوران استالین در جریان اشتراکی کردن کشاورزی اتفاق افتاد و حمله آلمان نازی به اتحاد شوروی در جنگ جهانی دوم از جمله این دلایل بودند.

1. <http://www.cia.gov/cia-the world fact book - Ru.htm>

رشد جمعیت روسیه از زمان پذیرش مسیحیت توسط این کشور آغاز گردید که در دوره‌های قحطی و گرسنگی باعث به هم خوردن تعادل جمعیت و کاهش آن گردیده است.^(۵) بعد از جنگ جهانی دوم به علت تلفات شدید اتحاد شوروی و کمبود مردان، بر ورود زنان به عرضه کار تأکید شد که این امر به کاهش نرخ باروری منجر گردید. در مناطق شمال و شرق روسیه جمعیت کمی زندگی می‌کنند که علت آن شرایط جغرافیایی می‌باشد و نرخ مرگ و میر در این نواحی از دیگر نقاط روسیه بالاتر می‌باشد.

در منطقه چچن در جنوب روسیه بطور بی سابقه ای جمعیت کاهش یافته است. بر اساس آمار اداره دولتی جمعیتی این منطقه ۵۰۵ هزار نفر یا ۵۰ درصد کل جمعیت طی دوره ۱۹۹۴-۱۹۹۹ کاهش یافته است که علت آن بطور آشکاری به جنگ داخلی باز می‌گردد.^(۶) اگر چه کاهش جمعیت می‌تواند وابسته به هرم سنی جمعیت (پیر شدن جمعیت) باشد اما کاهش نرخ زاد و ولد و مشکلات اقتصادی - اجتماعی از مشکلات ساختاری یک کشور می‌باشد. پایان جنگ سرد و شروع رفرم‌های اقتصادی و همچنین تغییر فضای ژئوپولیتیکی و امنیتی در کاهش جمعیت تأثیر گذاشته و افزایش مرگ و میر نیز خصوصاً وابسته به تغییرات اقتصادی و سیاسی بعد از فروپاشی بود. یک رابطه معنی دار بین رفرم‌های اقتصادی و بهداشت جامعه خصوصاً وقتی رفرم از طریق خصوصی‌سازی اقتصاد دولتی صورت می‌گیرد، وجود دارد.^(۷)

موسسه اقتصادی اجتماعی روسیه تخمین می‌زند که در حدود ۲۵ میلیون نفر از مردم روسیه زیر خط فقر زندگی می‌کنند و بر اساس همین گزارش نیمی از کودکان روسیه در خانواده‌های فقیر رشد کرده که پیامد آن گدایی و بی خانمانی این کودکان است. همچنین ۶۰ درصد از شهروندان روسیه درآمد خود را کمتر از شان و منزلت خود می‌دانند.^(۸)

تغییرات بعد از فروپاشی شبکه حفاظتی و اجتماعی موجود را از بین برده و شکاف طبقاتی شدیدی ایجاد نمود بطوری که دهک اول درآمدی تنها ۵/۹ درصد و دهک آخر درآمدی ۴۷ درصد از درآمد را نصیب خود می‌نماید. این شبکه کالا و خدمات بهداشتی را به نازلترین بهاء

به افراد ارائه می‌کرد که بتدریج در هم فرو ریخت و نواحی شهری خصوصاً در قسمت اروپایی بیشترین تأثیر را از این شرایط پذیرا شدند. همچنین ارتباطی بین محیط خطر ناک و کاهش جمعیت وجود دارد (۴۰ درصد مردم روسیه در محیط نامطلوب و یا خطرناک زندگی می‌کنند).^(۹)

بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی یک رابطه بین نظام مالیاتی و کاهش جمعیت وجود دارد. هزینه یک بطری و دکامعادل یک کیلو سیب، شیر گران تر از آبجو و یک پاکت سیگار ارزان تر از یک بسته آدامس می‌باشد و تحت این سیستم مالیاتی هر کشوری بی شک دچار بحران کاهش جمعیت خواهد شد زیرا مواد غذایی گران و فقر مردم باعث کاهش نرخ باروری و افزایش مرگ و میر می‌گردد.^(۱۰)

مهمترین عوامل کاهش یا افزایش جمعیت به شرح ذیل می‌باشند: ۱. نرخ باروری؛ ۲. نرخ مرگ و میر؛ ۳. عامل HIV و ایدز؛ ۴. اقوام و اقلیت‌ها؛ ۵. مهاجرت و مهاجرپذیری.

۱. نرخ باروری: جهت حفظ وضع فعلی، هر خانواده باید ۲/۳ بچه داشته باشد. در سال ۱۹۸۷ بیمارستانهای روسیه ۲/۵ میلیون تولد را ثبت کرده این رقم در سال ۱۹۹۹، ۱/۲ میلیون تولد و احتمالاً در سال ۲۰۱۰ به ۶۰۰ هزار تولد خواهد رسید. ۳۳ میلیون کودک در روسیه وجود دارد که ۶۰۰ هزار نفر از آنها معلول و حدود ۳۰ هزار نفر آنها بدون سر پرست و خانواده زندگی می‌کنند.

در سال ۱۹۹۹ در حدود ۲/۳ میلیون سقط جنین در روسیه ثبت شده که ۱۰ درصد زنانی که سقط جنین می‌نمایند، نازا می‌گردند. در روسیه ۱۲ مرکز جهت باروری زنان نازا وجود دارد اما هزینه آن از عهده ۹۰ درصد مردم خارج می‌باشد.^(۱۱)

جدول شماره ۲ - آمار حیاتی روسیه (در هر هزار نفر)^۱

| عامل | سال ۱۹۹۹ | سال ۲۰۰۰ | سال ۲۰۰۳ |
|-------------|----------|----------|----------|
| تولد | ۸/۴ | ۸/۷ | ۹ |
| مرگ | ۱۴/۷ | ۱۵/۳ | ۱۴/۹ |
| مرگ نوزادان | ۱۶/۵ | ۱۵/۳ | ۱۹/۵۱ |
| ازدواج | ۶/۳ | ۶/۲ | - |
| طلاق | ۳/۷ | ۴/۳ | - |

۲. **مرگ و میر:** نرخ مرگ و میر از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۴ افزایش یافته است. این نسبت در مورد مردان شدیدتر از زنان می باشد. نرخ مرگ و میر مردان از ۱۱/۶ در هر هزار نفر به ۱۷/۷ در سال ۱۹۹۴ افزایش یافته است و سپس به ۱۵ در هزار در سال ۱۹۹۷ رسیده است. (۱۲)

قابل توجه اینکه مرگ و میر در میان جمعیت فعال اقتصادی صورت گرفته است. این رقم شامل ۲۷ درصد افراد فعال می باشد. بر اساس نظریه یکی از متخصصان معروف خون شناس اکثر مرگ و میرها بر اثر سرطان، حملات قلبی و حوادث ناشی از کار رخ می دهد. علت بیشتر حملات قلبی الکلسم و دخانیات می باشد و درصد تشخیص سرطان ۳۰ تا ۴۰ درصد است در حالی که این رقم در ایالات متحده ۶۰ درصد می باشد. (۱۳) روسیه همچنین کمترین امید به زندگی را در کشورهای پیشرفته دارد و یک شکاف عظیم بین امید به زندگی مردان و زنان وجود دارد. بر اساس آمار سال ۲۰۰۳ این رقم برای مردان ۶۲ سال و برای زنان ۷۳ سال بوده است. بطور متوسط زنان ۱۱ سال بیشتر از مردان عمر می نمایند که این رقم در کشورهای پیشرفته ۶ تا ۸ سال بوده و این موضوع باعث به هم خوردن تعادل در بازار کار می گردد. (۱۴)

۳. **عامل HIV و ایدز:** توجه به بیماری هایی مانند ایدز، سل، هپاتیت که قابلیت انتشار در یک جامعه را دارند می تواند در توسعه یک منطقه تأثیرگذار باشد. گسترش HIV می تواند به

1. <http://www.cia.gov/cia-the world fact book - Ru.htm>

یک بحران برای روسیه تبدیل گردد. بر اساس گزارش هماهنگ کننده سازمان بهداشت جهانی در نیمه اول سال ۲۰۰۰، HIV حدود ۵۰ درصد افزایش یافته و به صورت یک بیماری واگیر دار در روسیه تبدیل شده است.^(۱۵) در ۲ جولای سال ۲۰۰۰، ۱۲۹/۱۲۶ هزار نفر مبتلا به ایدز در روسیه به ثبت رسیده است و بر اساس منابع گوناگون این رقم بین ۲۵۰ تا ۷۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. بر اساس دیدگاه رئیس اداره مبارزه با ایدز حتی اگر ۱۵۰ هزار HIV ثبت شده باشد رقم واقعی ۱۰ تا ۲۰ برابر آن می‌باشد که بر این اساس تا پایان سال ۲۰۰۵ در حدود یک میلیون روسی به این بیماری مبتلا خواهند شد.^(۱۶)

این رقم شامل کودکان نیز خواهد شد و بر این اساس روسیه به مرکز و کانون این بیماری تبدیل شده و پیش‌بینی می‌گردد در سال ۲۰۰۷ در حدود ۱۰ درصد جمعیت به این بیماری مبتلا گردند. بر اساس گزارش وزارت بهداشت روسیه حدود ۱۷ هزار معناد در مرکز خدمات بهداشتی مسکو ثبت نام کرده‌اند البته ارزیابی می‌شود رقم واقعی حدود ۱۲۰ هزار معناد در شهر مسکو باشد. حدود ۳ میلیون معناد در روسیه وجود دارد که ۹۰ درصد آنها بین سنین ۱۵ تا ۲۵ سال قرار داشته و بیشتر بیماران ایدزی از میان همین معنادان تزریقی می‌باشند که به علت استفاده از سرنگ آلوده بیمار شده‌اند.^(۱۷) مشکلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی باعث تشدید انتشار این بیماری گردیده بطوری که عموم متخصصین معتقد هستند که این بیماری به صورت یک اپیدمی تبدیل شده است. در سال ۲۰۰۱ یک موج از بیماری در اوبلاست^۱ نووگرا در مناطق روستایی شیوع یافت و حدود ۴۵ نفر از این بیماری مردند و در مجموع نسبت به سال ۲۰۰۰ در حدود ۹/۵ درصد بیماری رشد کرده که بیشتر آنان را معنادان تشکیل می‌دهند.

اگر وضعیت به همین ترتیب پیش رود طی ۵ یا ۶ سال آینده این بیماری در سطح وسیعی پخش شده و باعث می‌گردد نرخ تولد به صفر نزدیک گردد. همچنین نرخ بیماری هیپاتیت C از ۳۰۰ مورد در ۱۰۰ هزار نفر در سال ۱۹۹۸ به ۸۷۸ مورد در سال ۲۰۰۱ رسیده است. این وضعیت باعث تخریب ساختار طبیعی زندگی در روسیه می‌گردد.^(۱۸)

1. Oblast

۴. اقوام و اقلیت‌ها: نرخ مرگ و میر در بین اقلیت‌ها و مناطق مختلف در روسیه متفاوت است. بیشترین تفاوت در بین اسلاوها و مسلمانان وجود دارد. نرخ مرگ و میر در بین مسلمانان کمتر از دیگر اقلیت‌ها بوده و نرخ زاد و ولد ۳ تا ۴ برابر دیگر نقاط است. این وضعیت باعث برهم خوردن توازن جمعیتی و ایجاد مسائل امنیتی برای دولت مرکزی می‌گردد.^(۱۹)

۵. مهاجرت و مهاجرپذیری: روسیه می‌تواند با افزایش باروری، کاهش مرگ و میر و پذیرش مهاجر وضع فعلی جمعیت را حفظ نماید. در شرایط بد اقتصادی و فروپاشی سیستم بهداشتی پذیرش مهاجر بهترین و ارزان‌ترین فرصت برای ثبات وضع جمعیت می‌باشد. وزیر کار روسیه معتقد است جریان مهاجرت از کشورهای CIS و بالتیک به روسیه می‌تواند وضعیت جمعیتی روسیه را طی ۲۰ سال آینده بهبود بخشند.^(۲۰)

اصولاً سه نوع الگوی مهاجرتی برای روسیه وجود دارد:

- مهاجرت از دیگر کشورها خصوصاً CIS به روسیه؛
- مهاجرت از مناطق شمال و شرق به غرب، جنوب و مرکز؛
- مهاجرت بر اساس نیاز بازار کار.

بنابه نظر محققى تنها مهاجرت نوع اول می‌تواند بر روند کاهش جمعیت تاثیر بگذارد. در سال ۱۹۹۴ در حدود ۱/۱۵ میلیون نفر به روسیه مهاجرت کرده‌اند و حدود ۳۴۰ هزار نفر از این کشور به اروپا رفته‌اند. بیشتر کسانی که مهاجرت کرده‌اند افراد متخصص بوده‌اند. ارقام یک روند مثبت را برای روسیه نشان می‌دهد اما اداره آمار روسیه پیش‌بینی کرده که مهاجرت از «خارج نزدیک» کاهش خواهد یافت. این مهاجرین برای روسیه مهم می‌باشند زیرا نیاز به کارگر را مرتفع می‌کند اما این مهاجران خود باعث مشکلاتی می‌گردند.^(۲۱) در سال ۲۰۰۱ تاکید بیشتری بر این موضوع گردیده و وزارت توسعه یک برنامه در این مورد تدوین نموده است. این سیاست جهت توسعه اقتصادی ارائه گردیده است. با این مهاجر پذیرى دولت روسیه تنها می‌تواند کمک کوچکی برای کاهش جمعیت بنماید.

پیامدهای کاهش جمعیت

تغییرات جمعیتی می‌تواند از دو طریق باعث مشکل گردد:

۱. افزایش تنش مستقیم بین دولتهای منطقه؛
 ۲. تغییر سیاست داخلی که باعث مشکلات امنیتی با همسایگان می‌گردد.
- هر دو این حالت تنش بین دولتها را افزایش می‌دهد. دولتهای فدراتیو مانند برزیل، نیجریه، هند، اندونزی و روسیه خصوصاً مستعد این منبع ناامنی هستند.
- همچنین تغییرات جمعیت می‌تواند بر چهار طریق بر سیاست داخلی تأثیر بگذارد:

۱. ایجاد دولتهای انقلابی؛
 ۲. ایجاد دولتهای شکست خورده؛
 ۳. ایجاد جنگهای داخلی بین اقلیت‌ها؛
 ۴. ایجاد گروههای اقتصادی - اجتماعی فقیر و منزوی.
- باید توجه نمود در دولتهای فدراتیو مانند روسیه که در آن اقلیت‌های متنوعی زندگی می‌کنند، امکان وقوع هر چهار حالت وجود دارد. (۲۲)

۱.۱ اثرات بر سیاست خارجی

دولت روسیه تنها دولت در منطقه اوراسیا نمی‌باشد که با مشکل کاهش جمعیت روبه‌رو می‌باشد. لذا این مسئله مهم در روابط دو جانبه و چند جانبه در قرن ۲۱ در اوراسیا اثرگذار خواهد بود. در زمان اتحاد شوروی سابق، روسهای زیادی در کشورهای خارج نزدیک پراکنده بوده که باعث افزایش نقش روسها در سایر جمهوری‌های اتحاد شوروی می‌شدند. این روسها عموماً متخصصین صنعتی یا مدیران اقتصادی یا سیاسی بودند که نقش مهمی در ایفای سیاست دولت مرکزی بازی می‌کردند آنها یک امتیاز استراتژیک نظامی در منطقه محسوب می‌شدند. تعداد روسها در سراسر اتحاد شوروی سابق همچون خود فدراتیو روسیه طی ۱۰ سال اخیر کاهش یافته است. (۲۳)

جدول شماره ۳- تعداد روسهای ساکن در کشورهای اتحاد شوروی سابق^۱

| نام کشور | سال ۱۹۸۹ | سال ۲۰۰۳ | درصد کاهش |
|-----------|-------------|-------------|-----------|
| آذربایجان | ۳۹۲/۳۰۰ | ۱۹۵/۷۹۶ | %۵۰ |
| ارمنستان | ۵۱/۶۰۰ | ۱۴/۹۱۴ | %۷۰ |
| بلاروس | ۱/۳۴۲/۱۰۰ | ۱/۱۷۴/۲۵۴ | %۱۲/۵ |
| گرجستان | ۳۴۱/۲۰۰ | ۷۰/۱۶۱ | %۷۹/۴ |
| قزاقستان | ۶/۰۶۲/۱۰۰۰ | ۵/۰۲۹/۱۳۸ | %۲۰/۵ |
| قرقیزستان | ۹۱۶/۶۰۰ | ۸۸۰/۷۰۵ | %۳/۹ |
| مولداوی | ۵۶۲/۱۰۰ | ۲۵۸/۴۱۴ | %۵۴ |
| تاجیکستان | ۳۸۸/۵۰۰ | ۲۴۰/۲۳۱ | %۳۷/۹ |
| ترکمنستان | ۳۳۳/۹۰۰ | ۳۱۹/۹۶۱ | %۴/۲ |
| ازبکستان | ۱/۶۵۳/۵۰۰ | ۱/۴۲۸/۹۹۰ | %۱۳/۵ |
| اوکراین | ۱۱/۳۵۵/۶۰۰ | ۸/۲۰۴/۵۸۳ | %۲۷/۷ |
| استونی | ۴۷۴/۸۰۰ | ۳۴۱/۲۲۰ | %۲۸/۱ |
| لیتوانی | ۳۴۴/۵۰۰ | ۲۲۶/۵۸۶ | %۳۴/۲ |
| لتونی | ۹۰۵/۵۰۰ | ۶۷۷/۹۱۰ | %۲۵/۱ |
| روسیه | ۱۱۹/۸۶۵/۹۰۰ | ۱۱۵/۶۲۱/۵۲۲ | %۲/۵ |
| جمع | ۱۴۴/۹۹۰/۱۰۰ | ۱۳۴/۶۸۳/۸۸۵ | %۷/۱ |

کاهش جمعیت در روسیه، اوکراین و قزاقستان و در میان کشورهای CIS ثبت شده است. جمعیت قزاقستان از ۱۶/۹۲۵/۷۴۶ نفر در سال ۱۹۹۵ به ۱۶/۷۴۶/۱۲۵ نفر در سال ۲۰۰۳، جمعیت روسیه ۱۴۴/۵ میلیون نفر در سال ۲۰۰۳ در مقایسه با ۱۴۸/۳ میلیون نفر در سال ۱۹۹۵ و جمعیت اوکراین در همین مدت ۲ میلیون نفر کاهش پیدا کرده است.

1. <http://www.cia.gov/cia-the-world-fact-book-Ru.htm>, Tulshail "The True face of the Demographic Catastrophe" Nezasivisaia Gazeta, No.130, July 2000.

در نتیجه این دو کشور رقابت سختی با روسیه در جذب مهاجر دارند و اوکراین یک مکان سنتی برای مهاجرت روسها می باشد و رقابت در جذب مهاجر بین این سه کشور می تواند روابط آنها را تحت تأثیر قرار دهد. حدود ۴ میلیون روس در آسیای مرکزی زندگی می کردند که بتدریج به روسیه مهاجرت نموده که این خود باعث کاهش نفوذ روسیه در این منطقه شده است. یک اقلیت ۵ میلیونی روس در قزاقستان زندگی می کنند که اغلب دوست دارند به روسیه مهاجرت کنند که دولت قزاقستان مخالف این موضوع بوده در حالی که دچار فقر، بیکاری و تبعیض هستند. از سوی دیگر، این مهاجرین خود عامل فشار دولت روسیه بر قزاقستان هستند. بر اساس گزارش مجله مطالعات کاربردی، حقوق این اقلیت ها رعایت نمی گردد.

رعایت دوباره قوانین اسلامی (اگرچه دولت قزاقستان اعتقاد به لائیک بودن دارد) خصوصاً برای زنان روسی یک عامل فشار می باشد. سنت های قوی اسلامی مانع فعالیت های هنرمندان و معلمان زن شده و زنان روس در محیط های اقلیت بیشتر آسیب پذیر هستند. (۲۴) در سال ۱۹۹۱ با استقلال مجدد کشورهای بالتیک آنچه که دوباره استقلال این جمهوری ها را تهدید می کرد، ناسیونالیست های روس در این کشورها بودند. در سال ۱۹۹۷ دفتر ریاست جمهوری روسیه دستورالعملی تحت عنوان «راهنمای سیاست های بلند مدت در خصوص کشورهای بالتیک» منتشر نمود. این سند راهبرد کلی روسیه در خصوص این کشورها بود که در آن بر مخالفت روسیه با عدم عضویت این سه کشور در ناتو، آزادی عمل روسیه در اعمال نظر در سیاست خارجی آنها، ارتباط اقتصادی با او بلاست کالینین گراد، همکاری جهت مبارزه با جنایت کاران و افزایش ارتباط فرهنگی متقابل تاکید گردیده بود. (۲۵) در کشورهای بالتیک جوامع روسی مورد تبعیض قرار می گیرند این وضعیت می تواند به افزایش مهاجرت به روسیه بیانجامد. البته بر اساس گزارش اداره آمار لیتوانی جمعیت این کشور نیز در حال کاهش می باشد بطوری که در ابتدای سال ۲۰۰۱ در حدود ۱۰/۱۰۰ تولد و ۱۶/۷۰۰ مرگ ثبت شده که این ارقام در سال قبل ۱۰/۳۰۰ و ۱۶/۹۰۰ بوده است و نرخ تولد ۴/۳۱ و مرگ و میر ۷/۱ در هزار نفر بوده است. این آمار مستقیماً به اقلیت ها مربوط نمی شود اما اقلیت روس که فقیرتر و ضربه پذیرتر

می باشد دارای نرخ مرگ و میر بالاتر بوده که در نهایت به انقراض این اقلیت می انجامد. از سوی دیگر از فدراتیو روسیه و سایر کشورهای CIS به اتحادیه اروپا مهاجرت های وسیعی صورت می گیرد. اتحادیه اروپا به جذب مهاجرانی که دارای تخصص بالا می باشند علاقمند بوده و مهاجران جهت دریافت دستمزد بالاتر و رفاه اقتصادی مهاجرت می کنند.

بعضی از این مهاجران کارگران موقت و فاقد هرگونه تخصص بوده که بطور غیر قانونی مهاجرت می نمایند این موضوع می تواند اثرات جدی بر روابط امنیتی روسیه و کشورهای عضو اتحادیه اروپا داشته باشد. پیمان شینگن مهمترین پیامد برای روابط شرق و اتحادیه اروپا می باشد. گسترش اتحادیه اروپا به شرق مرزهای شرقی این اتحادیه را در مورد مسائلی مانند فحشا، مواد مخدر و دیگر فعالیت های جنایتکارانه نفوذ پذیر کرده است. براساس یک گزارش فاجعه بار از کمیسیون حقوق بشر روسیه حدود ۵۰۰ هزار زن و کودک و مرد جوان بطور غیر قانونی به اتحادیه اروپا انتقال پیدا کرده که از آنها برای سکس و اهدای عضو استفاده می نمایند و روسیه مرکزی برای صادرات انسان تبدیل گردیده است. (۲۶)

مهاجرت غیر قانونی و فعالیت های جنایتکارانه تأثیر عمیقی در توانایی روسیه برای همگرایی با اتحادیه اروپا دارد بطوری که روسیه در حال تبدیل به یک منبع ناامنی برای آن می باشد. یکی از مسائلی که دامنه آن به اتحادیه اروپا نیز کشیده شده موضوع کالینین گراد می باشد. در سال ۱۹۹۳ روسیه یک موافقت نامه با لتونی امضاء نمود که اتباع روسیه بدون اخذ ویزا می توانستند با عبور از خاک لتونی به کالینین گراد بروند اما دولت لتونی در سال ۲۰۰۱ این موافقت نامه را لغو نمود. استدلال لتونی این بود که ما با پیوستن به اتحادیه اروپا ملزم به اجرای قوانین اتحادیه می باشیم. این موضوع برای روسیه مشکلاتی پدید آورده زیرا دسترسی این کشور به کالینین گراد را مشکل نموده و در حالی این اوبلاست نیاز به کارگر دارد، روسها به سختی قابلیت ورود به آنجا را داشته و در عوض کارگران کشورهای همسایه مانند لیتوانی و لهستان به عنوان تور یست وارد شده و به کسب درآمد می پردازند. اگرچه دومای محلی قوانینی مشکل برای به کارگیری کارگران خارجی تصویب نموده اما کمبود کارگر داخلی (روسی) استفاده از کارگر

خارجی را ناگزیر می‌نماید. این امر تأثیر عمیقی در روابط روسیه با کشورهای بالتیک و اتحادیه اروپا گذاشته است. (۲۷)

۲. اثرات بر سیاست داخلی

وزیر کار اوبلاست کالینین‌گراد معتقد است اثرات سیاسی توزیع نامتعادل جمعیت همیشه مشخص نیست. طی فرآیند انتقال اقتصاد از یک اقتصاد سوسیالیستی به یک اقتصاد بازار آزاد باعث شده مناطقی فقیرتر و مناطقی ثروتمندتر گردند. (۲۸)

این موضوع در خصوص انتخابات تأثیر عمیقی گذاشت بطوری که یک مطالعه در خصوص انتخابات بعد از یلتسین نشان داد که کشاورزان و مستمری بگیران بیشترین ضربه را از تحولات پذیرا شدند به احزاب ضد رفرم و ناسیونالیست متمایل شده و به آنها رأی دادند، در حالی که جوانان متمایل به رفرم و تغییرات بودند. بیشتر از ۵۰ درصد از ثبت نام کنندگان برای رای گیری افراد محلی مربوط به آن منطقه هستند. ده منطقه که تأثیر تعیین کننده در برنده یا بازنده شدن کاندیدای ریاست جمهوری را دارد بشرح ذیل است: شهر مسکو؛ اوبلاست مسکو؛ کراسنودار؛ سن پترزبورگ؛ اسفردلفسک؛ اوبلاست رستو؛ جمهوری باشقیرستان؛ اوبلاست نووگراد؛ جمهوری تاتارستان؛ اوبلاست چلیانیکس.

این تأثیر به نفوذ مناطق در دولت مرکزی می‌انجامد اما منطقه شرق و شمالی به علت کمبود جمعیت دارای تأثیرگذاری چندانی نیستند. (۲۹) صرف نظر از تأثیر جمعیت مناطق در انتخابات، کاهش جمعیت دارای اثرات زیادی بر سیاست امنیتی در مناطق مرزی است. وجود مواد خام، زمین‌های حاصلخیز کشاورزی و نفت در مناطق مرزی که جمعیت آنها در حال کاهش بوده مشکلات زیادی از نظر امنیتی برای دولت مرکزی ایجاد خواهد کرد و باعث تحریک دولت‌های همسایه برای دستیابی به این منابع خواهد شد.

کاهش جمعیت باعث ایجاد تمرکز قدرت در دولت مرکزی شده، سیاستی که به پوتینیسیم مشهور است. دولت روسیه یک دولت کثیرالمله با ۱۲۸ ملیت که ۱۸ درصد جمعیت را

شامل شده و ۸۲ درصد بقیه روس می‌باشد، است. جنگ دوم چین و گسترش تهدید تروریسم باعث شد دولت مرکزی از اختیارات دولتهای محلی کاسته و باعث تمرکز قدرت گردد. ساختار دولت، کلیسای ارتدوکس و ایده‌های ملی‌گرایانه پوتین بر اساس «ارزشهای سنتی» و میهن‌پرستی به دولت امکان محدود کردن اختیارات دولت محلی را می‌دهد.

در اوت ۲۰۰۱ یکی از مسئولان امنیتی اعلام نمود که هیچ اقلیت قومی نباید یک منطقه را تحت کنترل خود داشته باشد، البته آنها می‌توانند دارای فرهنگ مجزا و مستقل باشند و بر این اساس آنها باید در بخشهای بزرگتر فدراسیون ترکیب شوند. اگر این حالت رخ دهد جمعیت به علت مهاجرت بصورت تصاعد هندسی کاهش خواهد یافت و این امر تنش‌های سیاسی و مشکلات امنیتی را تشدید خواهد کرد. این موضوع بخصوص در مورد اقلیت مسلمان بسیار مشکل ساز خواهد بود. ارزیابی دقیق مسلمانان روسیه مشکل است اما پیش‌بینی می‌شود که حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیون نفر یا حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد کل جمعیت روسیه باشند. این وضعیت و عدم تناسب نفوذ مسلمانان در دولت مرکزی باعث سرخوردگی آنها شده که پیامدهای آن تقویت رادیکالیسم و همدلی با مبارزان در چین می‌باشد. (۳۰)

۱.۳ اثرات بر سیاستهای نظامی

ارتش روسیه طی دهه ۱۹۹۰ وضعیت نابسامانی داشته است. تعداد افراد ۱۷-۱۹ سال طی سال ۲۰۰۰ به ۳/۴۶ میلیون نفر رسیده و این رقم در سال ۲۰۱۶ به ۱/۹۹ میلیون نفر خواهد رسید. در ۹ نوامبر ۲۰۰۰ شورای امنیت روسیه نیروهای نظامی را به ۶۰۰ هزار نفر کاهش داد که شامل ۳۶۵ هزار نظامی، ۱۰۵ هزار شبه نظامی و ۱۳۰ هزار غیر نظامی می‌باشد. (۳۱)

اخیراً روسیه ۳۵۰ هزار نفر را به خدمت نظامی فراخوانده که حدود ۳۰ درصد کل ظرفیت نیروی انسانی آن می‌باشد که از این مجموع ۳۱ درصد به دلایل پزشکی (بیماری و ضعف جسمانی)، ۳۴ درصد به علت اعتیاد به مواد مخدر، ۱۵ درصد جرائم سابقه دار و ۵ درصد عدم موفقیت در آموزش قابلیت خدمت در ارتش را ندارند، بنابر این روسیه تنها از ۱۵ درصد ظرفیت

خود می‌تواند استفاده کند. البته شرایط بد اقتصادی - اجتماعی می‌تواند این وضعیت را تشدید نماید.^(۳۲) بطور مثال، در سال ۲۰۰۰ در حدود ۲۰۰ هزار نفر به خدمت احضار شده‌اند اما کمیسر شورای نظامی اوبلاست اسفردلفسک پیش‌بینی می‌کند تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد از آنها به ارتش بپیوندند و منطقه آنها نسبت به سال قبل ۱۰۰۰ نفر کمتر خود را به ارتش می‌معرفی نمایند و به این علت به وزارت دفاع پیشنهاد شده است که سن خدمت نظامی را از ۱۸ به ۱۹ سال افزایش دهند. عامل جمعیت تأثیر مهمی در ساماندهی و رفرم در ساختار ارتش دارد. تغییرات جمعیتی می‌تواند باعث کوچک شدن حجم کمی ارتش گردد بطوری که یک کارشناس نظامی معتقد است: کاهش جمعیت روسیه ارتش را به طرف یک ارتش حرفه‌ای سوق خواهد داد.^(۳۳)

با کاهش جمعیت روسیه، ارتش باید خود را با این وضعیت مطابقت داده و طرحهایی به این منظور اجراء نماید و این نیاز به تحول اساسی در ساختار ارتش دارد. به این منظور باید سرمایه‌گذاری کلانی صورت گرفته تا تجهیزات جایگزین افراد گردد و این برای کشوری که ساختار نظامی بزرگی از نظر نیروی نظامی دارد و دچار مشکلات اقتصادی می‌باشد کاری بسیار مشکل است. از سوی دیگر منابع مالی دولت در سالهای آینده برای پرداخت حقوق بازنشستگان هزینه خواهد شد. ارتش روسیه از لحاظ نفرات و تجهیزات تحلیل رفته است. قبلاً صنایع نظامی حول محور ارتش بودند اما طی ده سال اخیر ارتش کوچک شده بطوری که نیروهای آن در خاور دور از ۲۴ لشکر مکانیزه به ۱۰ لشکر و از ۱۲۰ فروند زیر دریایی به ۴۳ و از ۷۷ فروند کشتی به ۴۲ فروند کاهش یافته است.^(۳۴)

در خاور دور به علت کاهش جمعیت و مهاجرت جهت به دست آوردن فرصت‌های شغلی دولت مجبور خواهد شد نیروی نظامی در این مناطق مستقر نماید که با وجود کمبود نیروی انسانی این کار بسیار مشکل خواهد بود. در خاور دور در مرز چین و روسیه نسبت جمعیت به کیلومتر مربع ۱ به ۱۵ یا ۱ به ۲۰ است که این می‌تواند در ۱۰ یا ۲۰ سال آینده منبعی برای تعارض با چین باشد. تقویت نیروهای موشکی اتمی به عنوان یک عامل بازدارنده نیز یکی از پیامدهای کاهش جمعیت می‌باشد.^(۳۵)

۴. اثرات اقتصادی

کاهش جمعیت بر مدرن سازی اقتصاد روسیه در قرن ۲۱ تأثیر گذاشته است. برنامه های اقتصادی برای بلند مدت برنامه ریزی شده اما با کاهش جمعیت این برنامه مختل شده و هزینه های اقتصادی افزایش پیدا می کند. کاهش جمعیت باعث کاهش سرمایه اصلی - نیروی کار - شده و همچنین پس انداز کاهش یافته که این عامل باعث کاهش رشد اقتصادی می گردد. (۳۶) اقتصاد روسیه با مشکلات متنوعی رو به رو می باشد که یکی از آنها شبکه های تأمین اجتماعی بوده که به بازنشستگان با عمر متوسط ۵۸ سال مسن مری پرداخت می کند. نخست وزیر - کاسیانف - معتقد است سیستم تأمین اجتماعی در روسیه دارای مشکلات بسیاری است و تغییر آن نیز کار بسیار مشکلی است و این سیستم برای ساختار جمعیتی طراحی شده که زیاد عمر نمی کردند.

از سوی دیگر هرم سنی افراد قابل کار کردن از ۸۷/۹ میلیون نفر در سال ۲۰۰۲ به ۸۹/۳ میلیون نفر در سال ۲۰۰۴ افزایش یافته است که این موضوع خود باعث عرضه نیروی کار بیشتر شده در حالی که تقاضا برای نیروی انسانی ثابت بوده و این خود باعث افزایش تعداد بیکاران شده است. (۳۷) در بلند مدت طی سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ به علت پیر شدن جمعیت منابع مالی دولت کمتر می تواند در جهت سرمایه گذاری در اقتصاد یا صنایع نظامی هزینه گردد زیرا دولت باید مبلغ هنگفتی را برای مواظبت از افراد مسن هزینه نماید. به عبارت دیگر روسیه با مشکلی روبه رو خواهد شد که افرادی که در دهه ۱۹۵۰ به دنیا آمده اند و کار را امروز ترک می کنند افراد کمتری جانشین آنها می گردد. البته می توان این مشکل را با افزایش بهره وری - آموزش افراد و نوسازی کارخانجات - رفع نمود اما اقتصاد روسیه توان انجام این کار را ندارد.

روسیه همچنین با کمبود نیروی متخصص روبه رو می باشد و این وضع باعث بحران در بعضی بخشهای اقتصادی گردیده است، رکود اقتصادی در روسیه و پرداخت دستمزد بیشتر باعث مهاجرت کارگران و متخصصان به اتحادیه اروپا گردیده است. این وضع باعث می گردد گروههای مهاجر از دیگر کشورها چه بصورت قانونی یا غیر قانونی وارد روسیه گردیده بطوری که

پیش‌بینی شده تا سال ۲۰۵۰ در حدود ۱۰ تا ۲۰ میلیون چینی در منطقه خاور دور روسیه مستقر گردند و آنها دومین اقلیت بزرگ در روسیه خواهند بود. آنها می‌توانند به یک بخش اصلی نیروی کار در بخشهای خدمات، حمل و نقل و کشاورزی مبدل گردند. (۳۸)

بنابر این لازم است قوانین محکم، کنترل سخت و پلیس آموزش دیده به کار گرفته شود. یکی از کارشناسان وزارت کار روسیه معتقد است سالانه در حدود ۸۰۰ هزار مهاجر به روسیه وارد شده که عمدتاً آنها افراد غیر متخصص می‌باشند، ۴۰ درصد آنها از کشورهای CIS وارد شده و مابقی از چین، کره و ویتنام وارد روسیه می‌گردند که مسائل و مشکلاتی را برای روسیه ایجاد می‌کنند. ایجاد اقلیت‌های قدرتمند از نظر اقتصادی باعث احساس استقلال آنها از روسیه شده که این خود توان روسیه را برای مقابله با آنها تحلیل می‌برد. (۳۹)

۵. اثرات اجتماعی

حدود ۵ تا ۷ میلیون مهاجر از ۷۰ کشور جهان در روسیه زندگی می‌کنند که ۷۰۰ هزار تا ۱/۵ میلیون نفر آنها غیر قانونی هستند. اوکراین، چین و مولداوی بالاترین لیست را در این خصوص دارند. همچنین ارزیابی می‌شود که ۱/۵ میلیون نفر افغانی، سومالیایی و آنگولایی در روسیه زندگی می‌کنند. اگرچه چینی‌ها برای اقتصاد روسیه مورد نیاز هستند - همانند ترکها برای آلمان و عربها برای فرانسه - آنها باعث مسائل و مشکلاتی در فدراتیو روسیه گردیده‌اند. مهاجرانی که از آسیا آمده‌اند در جوامعی رشد کرده که کاملاً با فرهنگ روسی متفاوت هستند. رئیس سیاست جمعیتی روسیه معتقد است این کشور به علت سطح آموزش بالا مکان مطلوبی برای مهاجران است. (۴۰) بر اساس یک نظر سنجی که از مردم صورت گرفت اعتقاد عمومی بر این است که روسیه باید از جمهوری‌های اسلاو حمایت کرده و مهاجران آنها را قبول نماید این مهاجران می‌توانند در نواحی خاور دور که جمعیت در آن کاهش یافته مستقر گردند. طی ۵۰ سال آینده روسیه هر سال باید ۵۰۰ هزار مهاجر جدید وارد نماید به این ترتیب در نیمه دوم قرن ۲۱، در حدود ۲۵ درصد جمعیت روسیه مهاجر خواهند بود.

اما سئوالی که باید به آن جواب داد این است که با وجود این همه مهاجر خصوصاً چینی چه تاثیری بر اجتماع روسیه خواهد داشت؟ سیاست دولت می تواند کنترل روند مهاجرت، تلاش برای همبستگی فرهنگی مهاجران با جامعه روس، کاهش نفوذ گروههای مهاجر باشد. مهمترین تهدیدی که می تواند مهاجران در خاور دور ایجاد نمایند این است که هویت خود را به آن مناطق تحمیل کرده و هویت غالب آن منطقه گردند و سرانجام قادرند بقای کل جامعه را با خطر روبه رو کنند.^(۴۱) بر اساس دیدگاه بری بوزان سه عامل کلیدی جهت تهدید هویت وجود دارد که شامل موارد ذیل می باشد: ۱. مهاجران؛ ۲. رقابت افقی؛ ۳. رقابت عمودی.

این سه عامل می توانند طیفی از وضعیت عمودی و برنامه ریزی شده یا ناخواسته باشند. مهاجران می توانند به یکنواختی جامعه ضربه بزنند بخصوص اگر این مهاجران به عنوان ابزاری جهت مقاصد یک دولت خارجی به کار گرفته شوند همانند دیدگاهی که چینی ها در خصوص ناحیه خاور دور روسیه دارند. رقابت افقی که انتقال هویتی جامعه را متوقف کرده و به عبارت دیگر از انتشار فرهنگ بومی ممانعت و باعث نفوذ فرهنگ بیگانه می گردد. رقابت عمودی به اثر فرآیند ترکیب یک فرهنگ در یک فرهنگ بزرگتر اذعان دارد که باعث عدم تعادل در فرهنگ بزرگتر می گردد.^(۴۲) بنابر این یک تهدید از جهت اقلیت ها در فرآیند هویتی جامعه وجود دارد تهدیدی که می تواند در ادامه فروپاشی اتحاد شوروی بوده و به جدائی مناطق خاور دور و سیبری از فدراتیو روسیه منجر گردد. شرایط دشوار زمانی رخ می دهد که سیاست و اقتصاد در دست یک اقلیت جدید قرار گرفته و این باعث تقویت حس ناسیونالیستی در میان اکثریت جامعه شده و منجر به تنش و درگیری می گردد. در خاور دور روسیه اقلیت چینی ها یک تهدید بالقوه برای اکثریت اسلاو بوده و از سوی دیگر تقویت اکثریت روسی در مقابل اقلیت چینی باعث ایجاد بی ثباتی در فدراتیو روسیه می گردد.^(۴۳)

اگرچه مهاجرت می تواند یک راه حل برای مشکل کاهش جمعیت باشد اما این کشور نه از لحاظ اقتصادی و نه روانی برای این منظور آماده نمی باشد و باعث مشکلات دیگری شده بطوری که با وضعیت کمبود مسکن، خرابی زیر ساخت های اقتصادی و تنش های اجتماعی موجود

امنیت اجتماعی به خطر خواهد افتاد. مهاجران همچنین باعث بالا رفتن نرخ جرائم، بیکاری و انتشار بیماری‌های واگیر دار در سطح اجتماع می‌گردند. (۴۴)

واقعیت دیگر که در روسیه در حال رخ دادن است این می‌باشد که تعداد اسلاوها رو به کاهش اما اقلیت‌های قومی مستقر در جنوب (مسلمانان) در حال افزایش هستند که این خود باعث مهاجرت داخلی می‌گردد. این حالت باعث پارادوکس گردیده است. شورای مفتی‌های مسلمان از چند همسری حمایت می‌کند و آنها استدلال می‌کنند تک همسری باعث عشق در ازدواج نمی‌گردد اما چند همسری به جوامع بیمار اجازه شکوفایی را داده و به حقوق زنان هم تعرض نمی‌گردد. آنها همچنین استدلال می‌کنند که چند همسری می‌تواند مشکل کاهش جمعیت را حل نماید.

مسلمانان از قوانین مذهبی خود پیروی می‌کنند قوانینی که به آنها اجازه می‌دهد زن دوم با رضایت زن اول و زن سوم را با رضایت زن اول و دوم عقد نمایند. اعتقاد آنها این می‌باشد که قوانین مذهبی و شریعت کمک کننده قوانین دولتی بوده و این وضعیت هیچ مشکلی برای قوانین دولتی ایجاد نمی‌کند. این پیشنهاد با ایجاد تمرکز قدرت دولت مرکزی توسط پوتین در تعارض بوده زیرا رئیس جمهور به یک سیستم قضائی استاندارد و از بین بردن تفاوت مرکز و پیرامون معتقد است اگرچه این کار می‌تواند تأثیر اندکی در خصوص کاهش جمعیت روسیه داشته باشد. (۴۵) در یک کنفرانس که اعضای آکادمی علوم و مسئولان امنیتی شرکت داشتند گزارشی در خصوص «تهدیداتی که امنیت زندگی شهروندان روسی را تهدید می‌کند» ارائه گردید. در این گزارش اعلام گردید تبدیل جامعه به دو قطب فقیر و غنی باعث بالا رفتن سطح تنش اجتماعی شده و فقر باعث کاهش ازدواج و تولید نسل گردیده و کشور در ورطه یک جنگ داخلی خواهد افتاد. لذا، برای حل مشکل جمعیت باید از دو قطبی شدن جامعه جلوگیری نمود و افزایش سطح دستمزد و ایجاد رفم‌های اجتماعی بخصوص در بخش بهداشت مانع از دو قطبی شدن جامعه گردد. (۴۶)

نتیجه گیری

از دیدگاه جهانی یکی از مشخصه‌های توسعه کشور رشد جمعیت آن می‌باشد و همه کشورهای صنعتی آن را تجربه نموده‌اند. البته امروزه اکثر کشورهای پیشرفته کاهش جمعیت و مسن شدن آن را تجربه می‌نمایند. گروه کشورهای G8^۱ تا سال ۲۰۴۰ در حدود ۱۲ درصد از تولید ناخالص ملی خود را باید صرف پرداخت مستمری به بازنشستگان نمایند و روسیه در این خصوص در مرتبه نخست خواهد بود. برای کاهش جمعیت روسیه چندین علت وجود دارد پایین بودن نرخ زاد و ولد که بیشتر به علت فقر اقتصادی و عوامل فرهنگی است، بالا بودن نرخ مرگ و میر نیز به علت بیماری‌های واگیر دار و حوادث ناشی از کار می‌باشد.

روسیه به علت وسعت زیاد (۱۷/۰۷۵/۲۰۰ کیلومتر مربع) و کاهش جمعیت خصوصاً در خاور دور و مجاورت این منطقه با چین، باعث مهاجرت عده زیادی به این منطقه گردیده است که این موضوع در آینده نزدیک باعث تعارض هویتی در جامعه روسیه پارادوکس برای این کشور گردیده و با وجود نیاز به مهاجر جهت کمبود جمعیت قادر به ترکیب آنها در کل اجتماع نخواهد بود. اگر زیادی جمعیت یکی از عوامل قدرت یک کشور محسوب می‌شود پس حفاظت از آن یکی از عوامل اثربخش بودن دولت می‌باشد. بر اساس دیدگاه نظریه پردازان رئالیست جمعیت فراوان و وسعت زیاد سرزمین باعث یک اقتصاد قدرتمند شده و در نتیجه آن کشور دارای یک ارتش قوی و مدرن خواهد شد. کاملاً مشخص است که روسیه یک قدرت بزرگ می‌باشد و کاهش جمعیت بر کلیه فاکتورهای قدرت آن تأثیر خواهد گذاشت و این چالشی است که دولت روسیه در دهه‌های آیند با آن روبه رو می‌گردد.

یادداشت‌ها

1. Segodnia Moscow, 7 September 2000.
2. Morgenthau, Hans, "Politics Among Nations" 4th ed New York: Alfred A Knopf 1967.
3. <http://www.rand.org>.

۱. گروه ۸ شامل کشورهای ایالات متحده، کانادا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن و روسیه می‌باشد.

4. Da Vanzo, Hulia and Clifford Grammich, "Dir Demographics: population Trends in the Russia Federation".
5. http://www.rand.org/publications/CF/CF_124/CF124.chap6.html
6. NTV, Moscow, 2 July 2000.
7. Rozenfeld, "The Crisis of Russian Health Care and Attempts at Reform".
8. ITAR-TASS News Agency, Moscow 17 October 2000.
9. Field "The Health Crisis in the Former Soviet Union: A Report from the Post-war", p.1471.
10. Russia TV, Moscow, 9 July 2000.
11. ITAR-TASS News Agency, Moscow, 7 August 2001.
12. ITAR-TASS News Agency, Moscow, 9 August 2001.
13. RIA News Agency, Moscow 21, November 2000.
14. ITAR - TASS News Agency, Moscow, 6 June 2001.
15. Interfax News Agency, Moscow, 9 July 2001.
16. ITAR-TASS News Agency, Moscow, 25 August 2001.
17. ITAR-TASS News Agency, Moscow, 30 July 2001.
18. Pashinteva, N.I, Voronina and Kazachenko, "The Demographic Year of Russia Statistical Handbook", Moscow 1998.
19. RIA News Agency Moscow 8, June 2001.
20. Vishnevsky Anatoliy "The Demographic Potential of Russia "Russian Social Science Review, Vol.40, 1999, pp.4-29.
21. Nichiporuk, "The Security Dynamics of Demographic Factor", p.29.
22. *Ibid.*, p.22.
23. Chernyakova, Nonna and Russell Working "Bureaucracy Creates Obstacles to Emigration of Russians from Kazakhstan" REF/RL Newsline, Vol.5, 2001.
24. Herd Graeme P. "Russia Baltic Policy after the Meltdown" Security Dialogue, Vol.30, 1999, pp.197-212.
25. Interfax News Agency, Moscow 21, July 2000.

26. BNS News Agency Kaliningrad, 10 September 2001.
27. Kontorovich "Can Russia Resettle the Far East?" p.280.
28. Clem Ralp and Peter Craumer "Spatial patterns of Political Choice in the Post - Yeltsin Era: The Geography of Russia 2000 presidential Election" Post - Soviet Gegraphy and Economic, Vol.41, 2000, pp.456-482.
29. Simonsen, sevn Gunnar "Putin Leadership Sryle: Erhenocentric Patriotism" Security Dialogue, VOl.31, 2000, pp.377-380.
30. "Russia Demography: Apocalypse Tomorrow" NATO Unclassified DPA 1505.
31. Russian Public TV, Moscow 2 April 2001.
32. Russia TV, Moscow 22 February 2001.
33. Kontorovich Vladimir "Can Russia Resettle the far East?" Post - Communist Economic, Vol.12, 2000, pp.365-384.
34. Nichiporuk, "The Security Dynamics of Demographic Factor", p.34.
35. Bloom David "Macroeconomic Consequences of the Russian Mortality Crisis" World Development, Vol 26, 1998, pp.2013-2027.
36. Interfax News Agency, Moscow, 19 April 2001.
37. Izvestiia, Moscow, 23 June 2001.
38. ITAR - TASS News Agency, Moscow 29, June 2001.
39. ITAR - TASS News Agency, Moscow 20, October 2001.
40. Weiner Myron "Security Stability and International Migration" International Security, Vol.17, 1992 pp.91-126.
41. Buzan. B, "A News Framewok for Analysis" Rienner Publisher 1998, pp.119-120.
42. Posen "The Security Dilemma and Ethnic Conflict", pp.27-47.
43. *Ibid.*, p.65.
44. Ekbo Moskvvy Radio, Moscow, 25 May 2001.
45. Antonov "It would be not bad at all to have three wives: can Legalized polygamy prevent a Demographic Catastrophe", pp.79-85.
46. *Ibid.*, p.86.